

نهادهای حقوق بشر! همه انسانهای شریف و دادخواه!



آخرین تلاشها برای نجات جان
کبری رحمانپور بی شمر جلوه می
دهد. یک انسان بی کنایه و بی
پناه، مضطرب و مستاصرل
اعدام را انتظار می کشد.
"جامعه حمایت زنان" که خواهان
برابری زن و مرد در همه شئون
اجتماعی و حقوق انسانی است حکم اعدام کبری، غیر انسانی و
حکم اعدام کبرا را یک تعرض به ظلم دویاره به یک انسان است.
حقوق انسان می داند. کبرا یک بار به خاطر تعرض و تحریر
قیبانی شرایط خفت باری است و توهینی که به او شده و بار
که در آن زندگی میکرد و این او دوم به خاطر مجازات کردنش.
نیست که باید توان آن حقارت و چرا که او برای رهایی از اسارت
محرومیتهایی را پس بدهد که فقر از چاله به چاه افتاد. در قرن
به او تحمیل شده است. این بیشتر و یکم که تمدن و
واقعیت را هیچ انسان تکنولوژی، تحول ارتباطات
شرافتمدی نمیتواند انکار کند. و دیدگاههای ۱۰ ←

این انتخابات نیست! این نمایش سلب انتخاب و اختیار مردم ایران است!

برای نمایش مضمون انتخابات سیزیشن را جمع و ملغی اعلام نمایشی که مهر بی حقوقی همه
به جان همدیگر افتاده اند. ادعا کرد!
میکنند که میخواهند نظر و رای اینها در شرایطی میلیونها دلار متعدد شوید، مستشكل شوید،
مردم را جلب کنند. پاسخ ما این خروج تبلیغات انتخاباتیشن صدایتان را با هم بلند کنید!
است که مردم ایران انتخابشان را میکنند، میلیونها دلار صرف نگذارید که صدای زوزه اینها از
کرده اند! انتخاباتی که در آن، زن سرپا نگه داشتن بساط لفت و مساجد محل، از مطبوعات و
را به این خاطر که انسان حساب لیسانشان از قبل مردم میکنند که رسانه های جمعی برای کشاندن
نمیکنند، پیشایش فروخت و سفره کارگران خالی است، زنان مردم به پای صندوقهای رای بلند
تحقیر شده اعلام کرده اند، باطل برای تامین کیف و کتاب شود؟ کدام رای؟ کدام انتخاب؟
است. مضمون ای بیش نیست. فرزندانشان، دختران برای در مملکتی که سران این نظام
باید بساطشان را روی سرشان پرداخت شهریه تحصیل حتی حق پوشش زنان را از آنها
خراب کرد. باید به جرم زن دانشگاهشان تن خود را به سلب کرده اند، در مملکتی که
ستیزی آشکار و علنی تک معرض فروش گذاشته اند! حق انتخاب سیاسی، آزادی
تکشان را گرفت، به پای میز مردم! زنان و مردان آزادیخواه! ما عقیده و بیان، تجمع و تشکل را
محاکمه کشاند! بساط زن از شما میخواهیم که علیه این پایمال کرده اند، ۱۰ ←

دفاع از ۸ مارس مردم سندج در مقابل انقلابیگری بی ریشه تلویزیونی!

دیبا علیخانی و آزاد زمانی دو با تحمیل ارعاب و یا تفرقه، جامعه، مبارزه شده است. نفس مردم‌سالار و قوم پرستانه بوده
تن از شخصیت‌های محبوب و حق جلوی برگزاری ۸ مارس در بپایی ۸ مارس در جامعه ایی است، این یک پیشروی اجتماعی
طلب جنبش انسان‌گرای ایران و سندج را بگیرد. از دامنه آن که زن در سنن جنبش سیاسی و رادیکال بوده و هست.
مردم مبارزه کرستان به اداره بکاهد. موفق نشد. فضای شهر ناسیونالیستی، فقط نقش حیات این پیشروی فقط با مبارزه
اماکن و نیروهای انتظامی سندج ۸ مارسی شد. گرایشات خلوت جنبش پیشمرگایتی را آگاهانه، نقشه مند، دخیل،
فراخوانده شدند. رویا طلوعی از ناسیونالیستی مجبور شدند برای داشته است، در جنبشی که از اجتماعی و روی زمین، علیه
کانون زنان کرستان نیز فراخوانده ابراز وجود سیاسی خود به اهداف سیاسی اش، تا روش خشونت حاکم از سوی دیگر
۸ مارس امسال در سندج باشد، وی رد صلاحیت و این کانون سنجگری قدم بگذارند که مبارزه اش، تا اشعار و جامعه کرستان از سوی دیگر
جنب و جوش بالای مردم برگزار رد مجوز شد. جمهوری اسلامی سالهای است برای تحکیم آن، برای اخلاقیات، هنر و فلسفه متحقق شده است. باید مثل تخم
شد. یک هفته به ۸ مارس امسال، تلاش کرد تا به هر شکل ممکن، کوییدن مهر برابری طلبی بر سینه وجودیشن تمام‌اگر انسانی و چشم از این ۲ ←



قطعنامه ۸ مارس سندج!

۸ مارس روز جهانی میلیونها زنان و مردان معرض جهان زنان و قتل‌های ناموسی را محسوب می‌شوند. ما خواستار حقوق به نسبت تورم و رفاه انسان آزادیخواه و برابری طلب خواست و مطالبات خود را جنایت و وحشیگری علیه تأمین اجتماعی کامل، شامل خانواده‌های کارگری و تامین است. جنبش زنان در این روز اعلام و برای تحقق آن مبازره بشریت می‌دانیم و آنرا محکوم بیمه بیکاری، بیمه از کار یک زندگی انسانی و مرفه کیفر خواست خود را علیه یک می‌کنیم.

دنیا ستمگری، خشونت، ۱. آپارتاید جنسی را محکوم ۴. آزادیهای فردی، اجتماعی برخورداری از حقوق و مزایای زنده باد جنبش برابری طلبانه بی حقوقی و تبعیض و نابرابری می‌کنیم و خواهان لغو کامل ومدنی مردم محترم شمرده برابر برای کلیه زنان خانه دار زنان طرح می‌کند و دادخواست قوانین زن ستیز، مرد سالار و شود. پایمال شدن این حقوق به هستیم.

زنده باد ۸ مارس! انسانی خود را بر علیه نظام نابرابر در جامعه هستیم. هر بهانه‌ای جرم محسوب ۷- همسران و کودکان کارگران جامعه حمایت زنان سرمایه داری بعنوان منشأ همه ۲. برمیت شناختن حقوق میگردد.

۸۳ مشقات امروز جامعه بشری و برابر زن و مرد در همه ۵. تعیین حقوق و دستمزد برابر تحمیل شده به شدت رنج حافظان این نظام اعلام می‌دارد. فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی برای همه آحاد جامعه اعم از زن می‌برند. ما از اعتراض و مظلوم ۷ و مظلوم ۶ ما زنان و مردان شرکت کننده و سیاسی . کارگران و خانواده‌هایشان برای در مراسم ۸ مارس هم‌صدا با ۳. سنگسار کردن، خشونت بر ۶. زنان خانه دار کارگر بیکار گرفتن حقوقهای معوقه، افزایش

۰۰۰ مردم شهر سندج، مردم شهر در غلطیده اند، تاثر انگیز و درآورده و دلبخواهی این جریان ظصیه به در و دیوار به دلیل جنبش و پیش رویهایش نگهداری سقز، دیواندره و سایر شهرهای تاسف آور بود. مینا احمدی از در اطلاق برچسب کوپنی راست و کرد، به جای حمله به آن، قاعده‌تا کردستان جنبش ما را روی پاهای رهبران این حزب و از مسئولین یا چپ به این یا آن حرکت هر انسان شریفی باید وظیفه خود استوار خودش در یک قامت رسا سازمان آزادی زن، در هفته‌های اجتماعی شرکت کند. اینها بداند که از آن در مقابل تعرض جلو کل جامعه ایران گذاشت. به اخیر به جای تعظیم در مقابل بیوه و پوچ است. چپ یا راست دشمنان مردم محافظت کند و با تجمعات اعتراضی سایر شهرهای جنبش عظیم برابری طلبی مردم قلمداد کردن یک جریان، یک بهانه گیری بیجا و غیر موجه به ایران وصل شد. شهر سندج، به جای درس آموزی حرکت اجتماعی توسط یک حزب آن خود را سنگ روی بخ نکرده، در مراسم سینما بهمن که تعداد از اینکه چگونه و با چه و یا جریان سیاسی، برچسب این جنبش را تضعیف نکند. این کشیری از مردم تجمع کرده بودند، مکانیسمی می‌شود حتی در نیست. "فحش و ناسزا" برای جنبش سکوی پوش عدالتخواهی علاوه بر سخنرانیهای پرشور بر شرایط اختناق سیاسی، مردم را خالی کردن عقده‌های روشنفسکر در ایران است. ۸ مارس سندج، علیه ستم کشی و بی حقوقی زن، برای دفاع از سنگر آزادی و جهان سومی کشوری نیست که یک تجمع "کرده‌تائی" نبوده و محکوم کردن همه و هر گونه برابری انسان جمع کرد، به جای سوار الکلنگ یا شعار پردازی و نیست، در فضای سیاسی ایران که اشکال ستم و تبعیض به زنان یک در افتادن با ناسیونالیسم، دوم رادیکالیسم نمایی منزوی، یا بسیاری از کسانی که به نام قطعنامه رادیکال، حق طلبانه و خرد و روشکسته و رفاندوم، به دنباله روی از مردم و آب قاطی "حقوق زن" فعالیت می‌کنند، با برابری طلب به عنوان ادعاینامه جای دفاع از جنبش در مقابل کردن در سیاست و رادیکالیسم سیاست رفاندوم تسلیم شده، یک جنبش انسانی صادر شد که خشونت حاکم، با ایراد گیری بی شده است. آخر جامعه هنوز شکست طلبی خودشان را روحیه مورد حمایت قاطع مردم مجتمع ربط، خود را سنگ روی بخ کرده، مدنیتی دارد، نمی‌شود از خواب مردم جلوه دادند، کرکره هایشان در سالن قرار گرفت. قطعنامه قبل از هر چیز آب به آسیاب بلند شد و هر حرکتی را که باب را پایین کشیدند، برگزاری ای که میتوان و باید آن را به کسانی میریزد که سالهایست دل نباشد، به اندازه کافی برای تجمعی با این درجه گستردگی، با پرچم خواستها و مطالبات جنبش جنبش ۸ مارس، جنبش دفاع از مسئولین این جریان آکسیونی، این قطعنامه غرور انگیز و با برابری طلبی زن در سراسر ایران حقوق کودک، جنبش دفاع ارضاء کننده نباشد، روی هوا سخنرانیها و شور و شفعتی که از بدلت کرد. این قطعنامه را برای عدالتخواهانه و رادیکال از حقوق راست نامید! یا بر عکس با خود نشان دادند، ستاره ایی با رجوع به آن در این شماره نشریه انسان در کردستان خار چشم‌شان همین هیجان، مردم را برای درخشش قوی در آسمان این رهایی زن به خوانندگان، مجداداً بوده است.

جنبیش است. برای یک درصد تقدیم می‌کنم. سوال هر کسی که این نوشته فراخوان داد و تازه آن را گردش به چنین موفقیت و حرکتی، در این میان عکس العمل حزب مینا احمدی را خوانده است، این چپ جامعه هم نامید! آخر هر جنبش‌های دیگر سر از پا کمونیست کارگری اعجاب آور و نیست که در کنکاش برای کشف چیزی قانونی دارد، منطقی دارد. نمی‌شناستند. ۸ مارس امسال راستش برای سرنوشتی که به آن اعجاب آمیز "თئوریهای" من به همین سادگی نمی‌شود با

به این شیوه اگزجره، دست به همچنان سر فصل مهم سازمان و تشکل و... آن میبود، هیچ گونه به درستی مهناز رسولی به تاکید جور در نمی آید، این ذهنیت را انبان تئوری و سیاست بدون دادن یک زندگی شاد، مرفه و نقشی ندارد، با وجود ادعاهایی بر نقش انسان در تغییر زندگی بدوا معالجه کند.

منطق ببرید، اتهام وارد کنید را برابر بین زن و مرد با بانگی رسا که کرده بود، باز هم دچار تناقض خود، به جای جایگزینی آن با این اولین بار نیست، جریان مینا بگویید!

احدى متاسفانه و با تاثیر فراوان تهمت راست زدن به مردم شهر از این مردم دور شده است، در پس ادعا میکند که اگر من انقلابیگری تلویزیونی میپردازد! به راهی قدم گذاشته است که سندج و ۸ مارس شان را، اینکه ارزیابی خود تجدید نظر کرده نتوانستم دخالتی در جنبش مینا احدي و جریانش متوجه این هرگونه جنبش و تحرک سیاسی گویا عده ای نمایندگان دولت را است. واقعیت این است که اگر اعتراضی مردم داشته باشم، تناقض شده اند. موضوع گیری اجتماعی را که با منفعت سیاسی آورده و بردۀ اند را خود جناب اتفاقی این وسط افتاده است، تحويل گرفته نشدم، سیاستها و مینا احدي نقطه پایانی است بر و حزبی وی خوانایی نداشته باشد، سردار طلبای هم از این جریان همان دردی است که این جریان هم از جریان همان درد مردم سیر تکوین سیاسی و اجتماعی تکفیر میکند و این بدترین نوع قبول نمیکند، این همان مردمی پیدا کرده است. تناقضی که نمیخورد، به این علت است که این جریان به حاشیه جامعه! چپ، و بدترین شیوه ضربه زدن به هستند که تا ۲ هفته قبل از ۸ دچارش شده است و عدم حل آن مردم راست هستند! حوشکای سندج نیست که تغییر مکان جنبش عدالتخواهانه در ایران مارس به سرشان قسم میخوردید، باعث شده، به زمین و زمان پشت لارا! "دیوار کج است" سیاسی و اجتماعی داده است، است. این بدترین کاری است که این همان ۸ مارسیهایی هستند کند! تناقض اینجاست که این دقت میکنید، به همین راحتی مردم همان مردمند، این جریان میشود با خود رادیکالیسم در که چندین و چند سال است ۸ جریان ادعا میکند که رهبر چپ بازی یک قل تو راستی، من است که از جامعه دورتر میشود، جنبش مردم ایران کرد.

مارس را در سندج روی شانه جامعه ایران است. خودش باورش چپ! یا بر عکس!! این اساس این جریان است که تماماً به لذا این ارزیابی و بهانه گیری هایشان حمل میکنند. من فقط شده است که با یک سوت تناقض و درد و مشکل مینا حاشیه نقل مکان میکند. پشیزی ارزش ندارد. فاقد هرگونه برای ابراز تلویزیونی، میتواند در ایران احدي و جریانش میباشد. برخورد عصبی، تند و ارزش سیاسی، تئوریک، اجتماعی نظر خود مینا احدي در باره انقلاب کند! مگر نه اینکه تناقضی که باعث شکستن این پرخاشگرانه این جریان برای و عملی است. با این تئوری و مراسم پارسال سندج که در "جامعه به چپ چرخیده"، خودش جریان شد. این تناقض را مردم لاپوشانی کردن و تمام کردن این متداولوژی مینا احدي و جریانش، نشریه آزادی زن شماره ۵۰ آمده با خود فریبی خود را از تلاش میبینند. پنهان کردن نیست. پروسه اسباب کشی است. من نه فقط در پارک سپیدار سندج و است نقل میکنم، دقت کنید که برای "رهبر شدن" آن هم در ته حق دارند پرسند، خانم احدي، برای شما گزیده کوتاهی از نظرات یا پارک لاله تهران، که در خود این مراسم با سال گذشته در صفت منتظرین این امر، کاملاً این چه نوع رادیکالیسمی است، مینا احدي را در سالهای گذشته شهر کلن آلمان هم نمیتوانند تمامی وجوه مختصاتش همان معاف کرده، ترجیح میدهد با که اجتماعی نمیشود؟ بر عکس، در باره تعریف و تمجید از ۵۰۰ نفر را زیر یک سقف برای ۸ است، او گفته است:

غوغاسالاری گذران کند. حال این روز به روز از نقش و دخالت مراسم‌های ۸ مارس سندج مارس جمع کنند. آخر کدام "درود به همه زنان و مردان آزاده" "انقلابی ماهواره ای" بطور انساهای زنده و حی و حاضر انتخاب کرده ام که نشانگر بی عاقلي، یک تجمع اعتراضی آن سکوی پر شی بلند بسوی یک دنیای روزمره دچار تناقض میشود. بیزار و دور شده است؟ تئوری و پایه بودن اتهامات امروزش هم زیر حقوقان اسلامی را، با بهتر بدل ساختند. هشت مارس وقتی راستهایی امثال هخا راه سیاستهایش معنی مادی و میباشد. این نقلی قولی از نظر سخنرانیهایش، ادعانامه اش، ادعانامه اش، سنتلنج، در تبریز و کرمانشاه، در ساختن این اندیاز ساختن، این چهارمین و کرمانشاه، در تحقیق، مردمی را که مترصد کلید واژه های این جریان در همین کاراکتر امسال برگزار شد. را تکفیر میکند و برای لاپوشانی اعضا میبینند انسان به بردگی جنسی، به تابراتری و به قوانین ساختن این مراسم، یا موقعيت بی ربط خودش به غلط پشت سر خود اساسا تصویر خودش از خودش نماینده فرمانداری، این یا آن تحلیل حضور یک نماینده دست بهود. این صدای این موقعيت میباشد که آن هم با ای اشکار از عطش مردم متوجه به پاک کردن همه زنان و مردان اندیاز چند شورای شهر که آن هم با عکس العمل برحق مردم روپرتو شد زن از پیکر جامعه بود. در آخر صدای انسانیت، نعمه شده است، گیر میدهد؟ کدام آدم هزار نفر، مراسمی بر پا شد که در آن صحبت از انسانیت و دنیای عاقلي این کار را میکند؟ در آن صحبت از انسانیت و دنیای درد دیگری دارید، روز است باشید بهتر بود. مراسمی که در آن مهر باطل بر همه قوانین خد زن در با ملت، در دستان را بگویید! چرا ایران و منطقه کوییده شد، هم عرضه ندارد؟ میدانید نداشته باشد، هر چیز دیگری نام مواجه شده است. همه مردم این همیجنگی ناروا، از پشت صفحه که در قطعنامه آن سر فصلهای مهی سازمان دادن یک کامپیوترتان تهییج شده، به زنگی شاد، مرفه و بوابر بین زن و مرد، با بائگی رسا اعلام شد

غلیان آمد، این تهمهای سخیف را که این فرض جا ندارد پرسیم چه را که احدي، به جز احدي حزب که این فرض جا ندارد پرسیم چه کمونیست کارگری آن را باور شده است؟ کافی است مینا احدي کامپیوترا تهییج شده، خودش قطعنامه های سال گذشته نمیکند، نشار مردم میکنید؟ خودش قطعنامه های شورای شهر هم، مشکل واقعیت‌ان چیست؟ آن را و امسال را با هم مقایسه کند.

ای قادر به تامین رهبری، اتحاد بیهوده نیست که در این پلیمیک فراخوانده شدن بگویید؟ مشکلی که باعث شده قطعنامه و سخنرانیهایی که

از ارزیابی وارونه ۸ مارس تا کشف "گرایش راست"

من از موسسین جامعه حمایت نوع "چپ" است که برای بر حق ایشان، برگزارکنندگان مراسم بکشند تا مراسم علنی مردم را زنان هستم و کماکان افتخار جلوه دادن خود ما را همکار فلان سینما بهمن، راست و خردادری، به هم بزنند شد مراسم؟ ایشان یا پاسخ من به ارزیابی خانم احمدی همکاری با این تشکل را دارم. و بهمن نیز معرفی میکند. توده ای، پوپولیست و خیالات ذهن خود را جای واقعیت از ۸ مارس و از جمله مراسم این یک تشکل اجتماعی و با به هر حال باز ببینیم واقعیت ناسیونالیست و ... هستند. میگذارد یا اخبار غلط شنیده سینما بهمن به جای اینکه ایشان آدمهای مختلف و مسلمان دارای چیست؟ آفرین به این کشف و ذکارت! است. خانم احمدی قبل از اینکه را به فکر کردن و ادارد بیشتر نظرات مختلف است. قطعاً همه بخواهد درس محکوم کردن یا برآشته کرده است تا جاییکه هر مثل هم فکر نمیکنند.

مسئله دیگر پارک سپیدار است. نکردن را به ما بیاموزد بهتر

من گفته بودم که شرکت در انگار خانم احمدی پا را در یک است برو قطعنامه های ۸ مارس ۳۱ فروردین ۱۴۰۰ در اینبان داشته به من نسبت من اگر چه به اندازه خانم احمدی داده است! در قاموس ذهن تجربه شعار دادن ندارم اما اینقدر از اراده بود، از جمله عضو شورای حقیقت را قبول کند که مسئله قطعنامه ای که انگار اسم بردن از شهر! هر چند این برای خانم احمدی پارک سپیدار نه مجوز داشت و نه آن زیاشان را میسوزاند! و یا خیلی غیر ایدئولوژیک است! خانم صاحب. همانست که من گفته مطالب من را در رابطه با کنگره احمدی انگار حرف دهن بچه ام بی کم و زیاد. من گفته ام زنان کرد و ناسینالیستهایی چون میگذار که گویا من گفته ام مگر میشود از طریق شنایم بی رویا طلوعی و قهرمانشان ناصر پوپولیست و ناسیونالیست و کاملاً بیگانه است. اگر از خصوص شورای شهر" نماینده نام و نشان مردم را بسیج کرد؟ رزازی و ... را بخواند تا متوجه گرایشی" هست یا نیست. همین نه، نمیشود. اگر یک نفر حتی" شود ما چه میخواهیم و چه را پدرسوخته اید! اگر به سر من و شعارهای ایشان بگذریم که فکر میکنید پس "چپ" هستید، شان به نظر میرسد با مسائل کار کانال جدید قسم نخورید پس نفس از جای گرم در میاید، باز در غیر اینصورت راست و اجتماعی و علنی در شرایط ما پدرسوخته اید! اگر شعار ای ایران من را تاکید میکنم که به هر دلیل و به نگویید پس کمونیستید و حتماً این آسانی نمیتواند حقایق را مامور ک. گ. ب." اینها دو روی وارونه کند. در نوشته قبلی گفته یک سکه اند. این فرهنگ بودم که احمدی ما را با بقیه سیاسی امثال خانم احمدی است که جریانات یک کاسه کرده و مورد همیشه معیاری به دست دارند و مرحمت قرار داده است. ایشان در دنیای کوچک تخیلاتشان این کار را در نوشته دوم خود میچرخد و دیگران را با آن محک تکمیل کرده و علاوه بر اینکه من میزند. این تفکر هیچ ربطی به و امثال من را از انسان و زمین ندارد. توهمند و جمله "ناسیونالیستها و بیماری خود شیفتگی است. پوپولیستهایی" که در مقابل معلوم شد این تقلای و فخر فروشی رادیکالیسم و مبارزه شهری و بخاطر این بود که در یک کلام به مدرن" ایشان قرار داریم، قلمداد ما گفته میشود "راست" و خیال میکند از این فراتر هر مارک و خود را راحت کرد، و لابد توقع انگی را که خواسته بر پیشانی ما هم داشت مردم باور کنند! علاوه چسبانده است. در ادامه ادعای شرکت نماینده شهری شهربازی که من مطمئناً برای اسفالت کوچه یا کسانی که شب و روز کار میکنند گفتم و کارهایی که ما میکنیم لوله کشی فاضلاب محله شان و حرف میشنوند و در خیابان و گوشه ای از تفکر و فعالیت نسلی نزد این نماینده شورای شهر محله و خانه به خانه مردم بسیج است که احمدی نمیتواند نماینده میزند و سلام و علیک هم زیر سقفی و یا میدانی و خیابانی اجتماعی است که خودش را میکرد. برای فاضلاب شهر باید مردم را جمع کنند و حرفاشان را مافوق مردم و جامعه میداند. به کسی مراجعه کرد، لزومی هم بزنند و پیامشان را برسانند. این ندارد که نماینده کسی باشد. کارها برای احمدی اتفاق نکرید. من احمدی باشد و برق سر دیگران فعالین اجتماعی برای دفاع از میپرسم، کدام مراسم؟ کدام بکوبد و به ملت فخر بفروشد و با زندگی و حقوقشان روزمره چه صاحب مراسم؟ کدام تبلیغ و ایسمها و شعارهایش بیاید سر میکشند. حال تشریف آورده و با دعوت و بسیج علنی برای وقت ما و جنبشها اجتماعی همچیز سیخکی و چریکی و جلوگیری از مراسم پارک سپیدار اما این میدانی اگر دست خانم کسی که تا حالا چیزی از او دیده حال نوبت ماست که گردنمان هم و خوانده نشده را لایق جواب از موبایلتر است!!

دانسته، حتماً باید خیلی از ایشان این روشها را ماتا به حال دست ممنون باشم. در مقابل این تکبر کم در کردستان، از جناح راست و خود بزرگ بینی و افاضات از سوی نماینده‌گان ناسیونالیسم گویی فقط باید گفت لطفاً برو کرد تجربه کرده بودیم، حالاً لابد کنار باد بیاد! برای اطلاع احمدی نوبت افاضات از سوی این میگیرد. با معیار پرت و ذهنی پای نیروی انتظامی را به میان خودش را بیرون ← ۵

برگزاری تجمع بود، این چه در همین شرایط راه و چاه مبارزه به اداره اماکن، سین جین شدن "رهبری" است که از توازن قوا بی کردن برای حقوقشان را جلو و تقبل مشکلات فراوان، برای خبر است، نیروهای انتظامی پایشان بگذارد؟ علت عدم بپایی تجمع اعتراضی مردم خبرش میکنند که نمیشود برگزاری تجمع پارک لاله صرفاً مجوز گرفته اند پرخاشگری کند آکسیون گذاشت؟ یا اینکه اگر اختناق نبود. واقعیت این است و راست خطابشان کند. مگر نه اختناق فاکتوری مهم است، که جنبش ما هنوز از توان و اینکه خود مجوز را نه از حزب میشود توجیه کرد، پس چرا قدرت سازمانیافتگی لازم، کمونیست کارگری و "مقام شامخ" وقتی نوبت به دیگران میرسد، به رهبری مشروع و ساز و کار چپ جامعه" بلکه از همین تحمیل حضور نماینده شورای پیشبرد این مبارزه در تهران در نمایندگان دولت جمهوری شهر گیر داده اید؟ چطور فاکتور یک مقیاس علنى و اجتماعی اسلامی میگیرند! باور کنید اختناق، فاکتوری برای عدم تلاش برخوردار نیست. که البته این در مجوز را هم نه با رویانهایی روی اجتماعاً لازم شما برای برقاً حوزه فهم مینا احدي و جريانش سینه، پرچمهاي سرخ در دست، نکردن يك تجمع اعتراضي ابداً نیست! اما بجاست در همین بلکه در سلامت جسمی و عقلی هست، ولی فاکتوری برای هورا رابطه پرسیم، چرا در خارج کشور كامل، بطور معمول میگیرند. کشیدن جهت برپا کردن يك تجمعی با نصف جمعیت لذا این ادعا کاملاً قابل روئیت اجتماع اعتراضی با وجود شرایط سالن سینما بهمن برگزار است که جنبش در مختصات پایه اختناق نیست؟ چرا برای تجمعی نکردید؟ اینجا که اختناق نیست؟ ای خود، همان ۸ مارس ۸۳ که برگزار نشده است این همه است، همان ۸ مارس ۸۲ است. هورا میکشید، که حتماً حقشان این توجیه تناقض میان ادعاهای بود برگزارش کنند، ولی برای ماهواره ای این جریان با واقعیت تجمعی که فی الحال برگزار شده زندگی و مبارزه مردم است که است، نباید کلاه از سر برداشت، دردرس شده است. تئوری پردازی با احترام به مردمی نگریست که به میدان آمده است تا این بی مبارزه علیه خشونت و تعیض را ربطی، از این تغییر مکان دادن نه به شیوه شما، بلکه با همین اجتماعی و سیاسی به حاشیه شیوه مورد تعرض شما اساساً جامعه دفاع علنى کند. آن را مقدور کرده اند؟ راستی برای چه تقسیس کند. تشییت شدن این کسی باید هورا کشید؟ برای آنها سیاست را بر مقدرات این جریان که مبارزه شان را کردند، کاری به نمایش بگذارد. مینا احدي انجام دادند، مردمی را جمع ادعا میکند که يك رسانه کردند، يا برای آنها که دلشان را میليونی دارند. خوب طبیعی به خودفربی خوش کرده اند؟ به است که بعد از ۸ مارس زیر ادعاهای ماهواره ایی دل بسته و فشار صنوف خودش باشد، باید خودشان باورشان شده است؟ آیا بالاخره جوابی داد. چرا این رسانه واقعاً و حقیقتاً "اختناق" عامل میليونی قادر به برگزاری تجمع توضیح عدم برگزاری تجمعات و اعتراضی در پارک لاله و به قول اعتراضات توده ایی است؟ مگر خود مینا احدي در پارک سپیدار قرار نیست در خود همین شرایط، نشد؟ اگر اختناق علت العلل عدم کسی رهبر اعتراض مردم شود،

۰۰۰ زدن هم نمیخواهد. با این تفکر احدي الیت روشنفکری مربوط به خود و راست و "چپ" کردن تا حال فشار های اجتماعی و اختناق بدده و از دنیای واقعی بیخبر اگر اینجا هم میبود حتماً به جای گذشته اند و زبان نسل جدید را دردی را از کسی دوا نکرده است بیرون بکشد. باشد و چپ و راست به مردم انگ اینکه با ما باید میرفت شبناهه نمیفهمد. به جای اینک به زبان . جز اینکه کار ما را سخت تر برگرفته از سایت های اینترنتی بچسباند، نباشد بهتر است . می چسباند! برای چپ غیر آدمیزاد حرف بزنند فقط شعار میکند. اما نسل کنونی خانم احدي اوضاع را نمی اجتماعی این آسانترین و کم میدهنند و متهم میکنند. این میخواهد و میتواند خود را از شناسد، زور که نیست . جوش دردرس ترین کار است . امثال مدلاب به خود دادن و تعریف از منگنه فشار راست و "چپ" و

نامه های شما عزیزان!

زندگی ادامه بدنه‌ند. ما خواستار تشدید خشونت و مردسالاری جامعه‌است. چرا که زن جزو بی‌رسمیت شناختن حق جدایی و تحت حاکمیت اسلامی باعث حقوق‌ترین قشر جامعه‌است. طلاق برای زن و مرد بطور برابر رواج این شیوه در میان مردان ما بر این باوریم و داریم برای و بیشتر به آن علاقه‌مند شده‌ام هستیم. در عین حال و همزمان شده‌است. به همین خاطر ما دنیابی‌تلاش میکنیم که به جای در صورتی که قبل‌می‌خواستم دخالت در زندگی خصوصی افراد منتظر این نمی‌مانیم تا کسانی رواج چنین سننی، چنین شیوه از آن فرار کنم. من دلم می‌خواهد راه منع میکنیم. دولت و هیچ که دست به این اعمال می‌زنند زیست اجتماعی، یک الگوی که بیشتر سعی کنم به اصل (یک نهادی حق دخالت در زندگی افراد جامعه را با عملکرد چنین مترقی و مدرن، بشدت انسانی و زن یک شوهر - یک شوهر یک زن) را ندارد. زن و یا مرد می‌توانند سنتهایی آلوهه کنند، از نظر ما برابر بر زندگی و مقدرات بشر خیلی ممنون از جواب‌تون و پایبند باشم. خیلی ببخشید بدون اینکه ازدواج کنند با هم چند همسری و صیغه جرم است. امروز حاکم شود. خوشحالیم که شرمنده از اینکه دیر شد، سرطان را درد آوردم. آرزوی دوست باشند و زندگی مشترک قانوناً باید محکوم و شامل توanstه ایم روی زندگی اجتماعی امتحانات نهایی بود نتوانستم موقفیت و سلامتی برآتون دارم. کنند. در عین حال ما مخالف مجازات باشد. این قانون باید و خانوادگی تو تاثیر بگذاریم. وصل بشم، خدا را شکر به خوبی می‌دونید تو ایران اوضاع جور تعدد زوجات هستیم. مخالف برچیده شود. باید علیه تبلیغات بیشتر با ما همراه شو! ما و خوشی گذشت. خیلی ممنون از دیگه‌ای است، من می‌ترسم، دلم صیغه و چند همسری هستیم. نه تلویزیونی در جا انداختن این مطمئنیم که افرادی مثل تو توصیه‌تون و از محبت و می‌خواه رابطه ام با شما ادامه فقط این بلکه خواهان لغو قانون سنن اسلامی زن سنتیزه ایستاد. می‌توانند در پیامون خود مبشر مهربانی‌تون. راستشو بخواهین داشته باشه و نشریه‌تون رو چند همسری و ازدواج موقت چنانچه در مبارزه سال گذشته آزادی‌خواهی و برابری طلبی (قبل از آشنایی با شما) مدتی دریافت کنم. بگذریم راستی در هستیم. معنی عدم دخالت در علیه سریال بانوی دیگر هم باشند.

بود من هم به فکر انتخاب همسر مورد فیلم تسلیم هم خیلی زندگی خصوصی افراد را هم این شاهدش بودیم. باید همزمان با در باره فیلم تسلیم هم حتماً تلاش دوم افتاده بودم، ولی حالاً دیگه ممنون از توضیحات‌تون. آیا ورژن نسیدانم که هر شیوه ارجاعی، مبارزه برای برچیدن این قوانین، می‌کنم که فیلم به زبان انگلیسی نه! می‌خواستم مشکلات‌مو با انگلیسی آن هم قابل دان لود عقب مانده و سنتی را به اسم مداوماً علیه این روش، باورها و را هم روی سایت قرار دهیم. انتخاب همسر دوم حل کنم، ولی است؟ اگه باشه، من می‌تونم اختیار مرد در رابطه خصوصی اعتقادات خرافی بکوشیم. تسلیم نمایش کوتاهی از زندگی حال سعی کردم بیشتر رو زندگیم روسی اش رو هم تهیه کنم و در اش به جامعه تحمیل کنند، از همانظور که میدانی این قوانین زنی است که پیکر وی بنا به مترکز بشم و سعی می‌کنم سطح بیشتری توزیع کنم. راستی همین رو ما حتی اجبار مرد در جملگی منشا مذهبی و آشکارا احکام قرآنی شیطانی است، همان بیشتر با همسرم کنار بیام و در مورد آن زن که روی بدنش رابطه جنسی با زن را بدون تمایل زن سنتیزه دارد. اسلام برای پیکری که آیات قرآن بر آن حک مشکلات‌مونو با هم حل کنیم. آیات قرآن بود هم ارتباطش را با وی، ولو بدون اعمال خشونت رد مردان این حق را رسماً به رسمیت شده است. پیکری که به حکم می‌دونید تو ایرون فضا خیلی کل فیلم نفهمیدم و این که آخر می‌کنیم، آن را جم میدانیم. شناخته است که خواه آشکار و یا همین قوانین الهی شلاق مسموممه، هر شب تلویزیون داستان چی میشه؟

اما مسئله چند همسری و صیغه پنهان دست به این اعمال بزنند. میخورد. زنی که از خدا، قرآن و از دو حال خارج نیست، یا در تصویر اسلام از رابطه زن و مرد، این اوهام میبرد، بر میگردد و نیست. این سریال‌ها خیلی مجدد تشكیر فراوان از شما پنهان و با دروغ و توصل به یک رابطه ضد انسانی است. جهان را از منظر دیگری می‌مشتری دارد و توی سریالی نیست قربون‌تون! دوستدار شما مهران ریاکاری و اعمال ضد انسانی همانظور که گفتم ما باور بیلد!

صورت می‌گیرد، یا ادعا می‌شود نمی‌کنیم و قبول نداریم که خود خودت باید آن را در ذهن و که با جلب رضا و تافق خود زن زنان با میل و رضای خود به چند تصویر خودت ترجمه کنی! در هر همراه بوده است. هر دو این شیوه همسری و صیغه و یا اشکالی از حال این فیلمی است که مناجات ها قابل رد و محکوم کردن است. نوع این روابط تن میدهند. زنی را علیه خدا با این پرده و با با هیچ فیلم، تئوری بافی و رضایت همسر اول، دروغ و این حالت به نمایش می‌گذارد.

ناخداگاه داشتم می‌رفتم به مهران عزیز بسیار خوشحالیم که ترفندی، با توصل به هیچ ریاکاری ریاکاری محض است. انسانیت سمت برگزیدن همسر های دیگر، مداوماً نشریه ما را دریافت و اسلامی و غیر اسلامی، متمن نمی‌تواند به این شیوه تا اینکه با شما و سایتهاش شما بویژه اینکه تونستیم تاثیر مثبتی روشن‌تفکری‌بازی کسانی که تمام روابط دوران پارینه سنگی به آشنا شدم، نشریه‌تون را مرتباً در زندگی تو داشته باشیم. بله انتلتکتول بودنشان توجیه قوانین دلخواه تن بدهد. یا باید تحقیق‌ش خوندم (و میخونم) و اصلاً همانظور که گفته ایی ما مخالف با ریشه اسلامی شده است، کرده باشند یا باید از آتش جهنم دیدگاهم عوض شد و الان وقتی تعدد زوجات، صیغه و رسوم نمی‌شود ارجاعی بودن آن را ترسانده باشند، یا به خاطر فقر و میخواه به چند همسری فکر کنم، اسلامی هستیم. ما توصیه پنهان کرد. ما اصلاح‌باشد به این باور یا باستگی مالی و اجتماعی زن اصلاح خودم از خودم شرم می‌شود نمی‌کنیم که مرد یا زنی، اگر نداریم که صیغه و چند همسری به و سرنوشت فرزندانش مجبورش و همه ایها به لطف شما بود! و زندگی مشترک خودش را غیر رضایت زن صورت می‌گیرد. ما کرده باشند که رضایت بددهد. من از این مسئله خوشحالم. قابل ادامه میدونم، به خاطر براین اعتقادیم که حاکم کردن بیهوده نیست که چند همسری و بیشتر متمرکز شده ام روی زندگیم التزام به سنن عقب مونده به این قانون صیغه و چند همسری، صیغه یک امتیاز مردسالارانه در

اگر این حکومت برکنار شود، میدهی، گنج است؟ سرمایه ایران آباد خواهد شد؟ داران "وطنی" و "غیر "وطنی" هم پاسخ من این است که این نظام دم از "آبادانی" میزند. باید سرنگون شود، هیچ اما و منظورشان این است که زمانی اگری هم بر نمیدارد. هر لحظه که "برکناری" نظام با پیروزی آنها این حکومت از عمرش میگذرد، توان است که موفق بشوند یک نفر دیگر به شمار اعدامیان چرخهای سرمایه شان را راه اضافه میشود، یک زن دیگر بیندازند، امنیت برای سرمایه و قربانی خشونت بیشتر میشود، تسمه کشیدن از گرده کارگر پیدا یک کارگر دیگر به ورطه فقر و کنند. سلطنت طلبان و راست در کلام نخست بگویم که من به امکانات مالی پسر اهمیت می خودشون بیان . باید کاری کرد شده این شعر ملک الشعرا بهار دهد ، ارکان حکومت هستند؟؟؟ که جوان ها از اطراوشون با خبر اعتقادی فراوان دارم : قبول دارم که تمام این مسایل و بشن ، از گرددباری که به سمت این دود سیه فام که از بام وطن مشکلات به علت کمبود ها و ناکجا آباد در حرکت هست بیرون خواست ، از ماست که بر ماست محرومیت ها و عدم شناخت بیان دخترها و پسرها خودشون وین آتش سوزان که برآمد ز چپ صحیح به وجود آمده . همچنین دست هم رو بگیرن ، با هم فریاد و راست ، از ماست که بر ماست کاملاً معتقدم که دین و مذهب بکشن ، با هم بغرن ، به هم جان گر به لب ما رسد ، از غیر پاسخگوی نیازهای آدمی در این اعتقاد کنن ، پشت هم رو بگیرن نتالمی ، با کس نسگالیم دوران نیست(جه اسلام و چه ، همه در یک خط راست و محکم از خویش بنالیم که جان سخن مسیح و چه یهود و...) و استوار ، افتخارشون ایرانشون اینجاست ، از ماست که بر یک مثال می زنم : یک معمار باشه. افتخارشون سی و پنج خانه ای کلنگی می خرد تا آن را میلیون خواهر و برادر باشه ، ماست ما کهنه چناریم که از باد نتالمی بکوید و یک برج جدید با کلیه افتخارشون سرود ای ایران باشه. بر خاک ببابیم امکانات و تجهیزات مدرن اون وقت من مطمئن هستم (از لیکن چه کنیم ، آتش ما در شکم بسازد .

ماست ، از ماست که بر ماست برای خراب کردن کافیست تا چند کائنات به کمک من میاد ، گوییم که بیدار شدم ، این چه بولوزر به جان خانه کلنگی ایرانمن رو پس می گیریم و باز خیالیست ، بیداری ما چیست؟ بیفتدند ، بعد سه ساعت هیچ هم می شیم همون خواهر برادر بیداری طفلی است که محتاج به اثرب از خانه قبلی وجود خواهد هایی که بدون هیچ دغدغه ای لالاست از ماست که بر ماست داشت .

در قدم دوم این را می گویم که حالا می خواهیم برج رو بنا برکزار می کنند و بهترین خواهند چرا باید فرض رو بر این گرفت که کنیم آیا می توانیم در سه بودا شما و تمام دوستانون اگر این حکومت برکنار شود ، ساعت برج رو بسازیم؟؟؟؟ آیا می توانیم با همان امکانات خواهرها و برادر هام رو داشته ایران آباد خواهد شد؟ آیا جوانانی که در خیابان ها بی کمی که واسه ویرانی استفاده باشم سپاس از اینکه وقتون رو هدف و به سوی ناکجا آبادی کردیم ، بنا را بسازیم؟؟؟ به من دادین پریشان می گرددند ، پسروانی که جواب من این است : به هیچ با ماشین های گران قیمت ، وجه ممکن نیست . ابتدا باید جلوی پای دختران ترمز می زند نقشه کشی و برنامه ریزی شود . ، ایجاد مزاحمت می کنند ، خاک برداری یا خاک ریزی کنیم . دخترانی که در خیابان ها در اسکلت بندی و ... همچنان که انتظار اتوبیل های مدل بالا به پیش می رویم کارها حساس تر و سر می بزند که کرایه تاکسی را دقیق تر می شوند و زمان و نپردازنده ارکان حکومت خواهد . به هستند؟؟؟؟ آیا جوانانی که در طول عمرشان

موضوع مردهای چند زنے باید ماجرای ازدواج مجده آقایان و محبوبیتم را هم از دست داده ام مساله ای است که فقط در هم ادامه خواهد داشت. و جای مرا کس دیگری گرفته کشورهای اسلامی وجوددارد و مردهایی که باوجود داشتن خودم کردم که... فقط دین اسلام این امر را آزاد همسر اقدام به ازدواج مجده می از زن دوم این آقا می پرسیم چطور گذاشته است و به مردان اجازه کنند به چند دسته تقسیم شد با مردی که ۲۵ سال از تو داده تا چند زن اختیار کنند. وقتی می شوند: بزرگ تر است ازدواج کردی می از این مردان می پرسیم چرا زن دسته اول از زن اول بجه دار گوید: از ازدواج اولم خیر ندیدم با دوم می گیرید پاسخ می دهند کار نمی شوند و داشتن بجه را بهانه داشتن یک دختر طلاق گرفتم چون ما شرعی و قانونی است شرعاً می کنند. پدر و مادرم فوت کردند بعد از می توانیم تا ۴ زن اختیار کیم. خانم الف می گوید ۲۵ سال پیش طلاق خانه برادرم بودم. اذیت و این مردان به کار پیامبر استناد ازدواج کردم بعد از کلی این دکتر آزارهای برادر و زن برادرم مرا به می کنند که البته باعث سو تعییر آن دکتر بالآخر فهمیدیم که ما ستوه آورده بود سریارشان بودم گروهی شده است. آیا مرد صاحب بجه نمی شویم. سه سال طعنه و کنایه هایشان تمامی امروزی باید خود را در رده قبل با هم تصمیم گرفتیم شوهرم نداشت تا این که این خانم برای پیامبر قرار دهد و خود را با او ازدواج مجده کند. فکر کردم اگر شوهرش به خواستگاریم آمد با مقایسه کند و در برابر ملامت زحمت کشیدیم و در عرض این وجود این که می دانستم سرهو دیگران از این موضوع سپری چند سال مال و منالی جمع کردیم می روم برای نجات از این بسازد و از خود دفاع کند؟ اگر از چرا دیگران صاحبش نشوند. با وضعیت فوری قبول کردم حالا هم روی منطق به مسئله نگاه کنیم این خیال بیهوده رضایت دادم که هر طوری باشد بهتر از وضعیتم زن ها از مردها وفادارترند ازدواج کند و بجه دار شود پرس و در گذشته است.

وسياري باوجود مرگ جو کردم و از بين آشنایان خانمی دسته ای دیگر از مردها صاحب شوهر حاضر به ازدواج مجده را که ۲۰ سال داشت و ۲۵ سال پسردار نمی نیستند. از شوهرم کوچک تر بود انتفاچ $\text{€} 7$ • $\text{€} 20$.

در این باره گفتگویی داشتم بد کردم که قبل از ازدواج نظر مخفقی زنانی که همسرانشان ازدواج داشته و دختری هم ثمره این مجده کرده اند. جالب است در ازدواج بود به این فکر کردم تا این گفت و گوها زنان بیشترین زنده ام زندگی کنم و غصه ای تقصیر را برگردان زنان فامیل نداشته باشم. اگر هم مردم هر کس گذاشته اند. به عبارتی این مردان ارث می برد ببرد دیگر چه قبلا خوب بوده اند اما تحت اهمیتی دارد؟ حالا که زن دیگری تاثیر دیگر زنان فامیل به این امر وارد زندگی ام شده است و هر روز تن داده اند، یا در جایی دیگر در آرزوی زندگی گذشته را می کنم تداوم خشونتی که بر آنان رفته تازه فهمیده ام که اشتباه بود. بعد است اعمال این خشونت قانونی از سه سال هنوز بجه دار نشده اند را بر زنان تایید کرده و به روزی به شوخی به شوهرم گفت: باز تولید آن کمک کرده اند. به بجه دار نشده طلاقش بده فوری واقع در این چرخه زنان ابتدا گفت: این چه حرفی است او پروانه مقاومت کرده اند و سپس من فعل این خانه است. با این حرف دنیا شده و حتی خود پا پیش نهاده اند روسم چرخید چقدر این حرف مرا و در نهایت هم به مرحله پذیرش غصه دار کرد. فهمیدم دیگر آن رسیده اند. چرخه ای که اگر تداوم نفوذ گذشته را روی شوهرم ندارم

۰۰۰ نیست حق مرا بگیرد. جوانی ام را آبکشی برای همسایه هاتقریباً به بدبوختی.
بود و شوهرم او را عقد کرد با به پایش ریختم دریغ از یک ذره اندازه شوهرم پول در می‌آوردم. دلم می‌رسیم به مردانی که به خاطر اصلاحه اوایل را ندارم و با آمدن او ما دیگر در زندگی شوهرم محبت.

نمی‌آمد یک ریال از دستمزدم را هوی و هوش ازدواج می‌کنند وضع موجود کنار آمدام، وقتی به مردیم بیچاره بچهایم حتی در گروهی دیگر از مردان هنگامی برای خود خرج کنم. همه را جمع البته دلایل پوج و بی‌ربطی را هم هووایم فکر می‌کنم دلم حق آنها پدری نکرد. دخترهایم که کمی ثروتمند می‌شوند دست می‌کردم و به شوهرم می‌بهانه می‌کنند که منطقی نیست. برایشان می‌سوزد خودم را خیلی عاشق تحصیل بودند اما به این کار می‌زنند

دادم. سال‌ها گذشت کم کم این مردان فکر عیش و عشرت از آنها خوبیست تر می‌دانم چون خاطرنبود امکانات نتوانستند به قول قدیمی‌ها خدا نکند مرد وضعمان خوب شده بود. صاحب خوبیستند و به تنها چیزی که فکر باید صحبت شد پای دار قالی ادامه دهند و چون جهیزیه شلوارش دوتا شود. تا آن زمان که کبابی شده بودیم. تازه من و نمی‌کنند زن و زندگی است. اگر باشند و اگر وقتی بمانند به نداشتن‌نمی‌توانستند انتخاب از نظر مالی در مضيقه هستند بچهایم نفس راحتی می‌کشیدیم هم ازدواج مجددی داشته باشند کارهای خانه رسیدگی کنند. مگر کنند و در نهایت هر کدام یک زن‌زندگی‌شان را می‌پرستند اما فکر می‌کردم خوشبخت ترین زن باید تاسف خورد به حال زنی که به بهانه مراسم عزا از خانه بیرون ازدواج تحملی را قبول زمانی که دستشان به دهنستان دنیا هستم و تنها زن‌زندگی با آنها ازدواج کرده زیرا هوی و بیانند و گرنه هیچ بهانه ای برای کردند. پسرهایم هیچ‌کدام رسید دیگر هیچ کس را شوهرم باقی خواهم ماند. خیال هوی آنها پایان ندارد وزن دوم و بیرون آمدن آنها قابل قبول نیست تحصیل نکردن و همه آنها بیکار نمی‌شناشد خانمی که شوهرش می‌کردم همیشه قدردان زحمت یا سوم آخرین زن آنها شمرده باید سریع کار کنند و قالی هستند. اوایل رفتار شوهرم خوب بعد از ثروتمند شدن ازدواج ها قناعت‌ها و از خود گذشتگی نمی‌شود. خانمی که همسرش را رازدودتر تمام کنند تا قالی دیگری بود اما کم کم آن زن نفوذش را مجدد داشته می‌گوید: هنگامی هایم است. من شانه به شانه او زن دارد و باز در فکر تجدید برای آنها علم شود.

روی او زیاد کرد و نفوذش به که همسرم به خواستگاریم آمد از زحمت کشیده بودم و در تمام فراش است می‌گوید: کارمند در انتهای به مردان می‌رسیم که حدی رسید که دیگر ما فراموش خود چیزی نداشت شغل زندگی مشترک‌مان اعتراضی بیمارستان هستم و از نظر مادی اخلاق بد همسر و بی‌توجهی و بی‌شدم. خوب من هم حق دارم به مشخصی نداشت. مادرم مخالف نکرده بودم اما این گونه احتیاجی به شوهرم ندارم البته محبتی زن را بهانه می‌کنند خاطر بچه‌هایم تحمل می‌این ازدواج بود اما پدرم می‌گفت نشد. عاقبت آن روز شوم فرا ۳/۱ حقوق را برای خودم خرج بهانه عده‌ای از آنها مسائل کنم. حتی خرجی ما را نمی‌روزی آدم دست خداست. بینها رسید. با تلفن یکی از فامیل می‌کنم و مابقی را به شوهرم می‌جنسی است که ادعا می‌کنند دهد. بعد از مرگ پدر شوهرم ما هنوز جوانند صاحب همه چیز هایمان مطلع شدم که زنی را به دهم. این قانون خانه ماست. وقتی همسرشان قادر نیست به دلایل ثروتمند شدیم و شوهرم همه می‌شوند. پدر شوهرم با وجود عقد خود در آورده است. انگار آب سر من هوی آورد میدانستم با بیماری و یا پایین بودن غریزه شروتش را به پای همسر دوم نداری کمک مان کرد زندگی مان یخ روی سرم ریختند تمام بدنم یخ اخلاقی که شوهرم دارد این خانم جنسی آنان نمایند.

ریخته و او در رفاه زندگی می‌را شروع کنیم. عروسی مختصرو کرد. برایم باور کردنی نبود تا شب هم آخرین زن او نخواهد بود. در به هر حال مستلهه چند زن بودن کند. زمان نداری هایش من بودم خرید جزئی یک حلقه و یک دست که از سر کار برگشت و موضوع دلم گفتم بگذار بگیرد آن عذابی مردان یک ناهمجاري اجتماعی و بدبوختی هایش حالا هم که دارد لباس. خوشحال بودم که توانسته رابه او گفتم. هزار بار مردم و زنده را که من کشیدم چرا هوویم است که باید قانوناً جلوی آن باز هم برای من نیست. من که ام در اول زندگی به شوهرم کمکی شدم. اوایل انکار می‌کرد اما کم نکشد؟ او که می‌دانست شوهرم گرفته شود و گرنه هیچ زنی امنیت منبع در آمدی ندارم چشمم به کنم. زندگی بخورونمیر ما شروع کم بعد از یک جرو بحث طولانی و زن دارد چرا همسر او شد و یک روانی نخواهد داشت.

دست اوست. اگر حسابش را شد. اوایل کارگری می‌کرد اما کم گریه من تسلیم شد و گفت زن زندگی را نابود کرد! البته با بکنید باید حداقل حقوق کلftی کم در یک کبابی به صورت کارگر گفتم جنایت که نکردم. خدایا شناختی که از شوهرم داشتم برگفته از سایت تربیون فینیستو در خانه‌اش را به من بدهد. اسماً داشم شروع به کار کرد. صاحب درست می‌شنیدم. دیگر حرفي خیلی او را مقصراً نمی‌دانستم که شوهرم است. دستم به جایی کبابی مرد خوبی بود ما را بیمه برای گفتن نداشتم این بود روی همین اصل خودم برای زن بندنیست. یعنی در این دنیا کسی کرده بود. من هم کار می‌کردم دستمزد ۲۰ سال زحمت و سوم و چهارم به خواستگاری رفتم

۰۰۰ موقت عراق برای میلیونها زن در ایران باید در چهارچوب تصویر پیروزی مردم ایران به سینه تمام ویرانه‌های این نظام کاری است باید بجنگیم تا به این افق برسیم! این کشورها، عدم لغو قانون عمومی پیروزی چپ جامعه ایران این سیاستها دست رد می‌زنیم. دشوار، اما عملی و ممکن! آنچه اعلام می‌کنیم که قبول نیست! ما سنگسار در یکی و اعلام قانون حرکت و آنها را تقویت کند. ما پرسیده ایی که روی ویرانه‌های نه فقط دشوار، بلکه غیر عملی و به کمتر از این حداقل خواسته‌های حجاب در آن دیگری بوده است! ذره ایی برای تلاش‌های رفراندوم این نظام آیا ساختن برچی که ما غیر ممکن است، نگه داشتن این خود رضایت نمیدهیم! اما به این واقعیتی است که جلو چشم طلبانه ایی که سودای اصلاح می‌خواهیم کار ساده ایی است. عمارت ویران است! احتیاج به عنوان سازمان رهایی زن به هیچ همه ماست. سهم زنان در عراق از قوانین اسلامی و یا حفظ دم و پاسخ من این است که نه! ساده برنامه ریزی است، بله حتماً تغییری به جز ملغی اعلام کردن برکناری صدام به شیوه و افق دستگاه دولتی نظام را و نیست. و کلیه کسانی هم که آن را همینطور است. احتیاج به کل بساط خشوتی که علیه زن غرب، چاقو کشیدن روی صورت جایگزینی عمامه را با فوکول ساده جلوه میدهند یا خودفریبند سازماندهی است، بله همینطور در این جامعه بريا شده است زنان در کرکوک و بغداد به جرم کراواتی ها دارد ارزش قائل یا ریگی در کفش دارند. توأم است. اما ممکن و شدنی است. رضایت نمیدهیم. معنی لویا بدحجابی است. جنبش برابری نیستیم، افشايشان می‌کنیم و کردن سرنگونی نظام با پیروزی ما بطور عینی نشان میدهیم که جرگه افغانستان و یا شورای طلبی زنان و مردان آزادیخواه برای تفوق تصویر خودمان از مردم و ساختن دنیای بهتر بر شدنی است. ← ۱۰

آدرس‌های تماس با ما

دیر سازمان

مهرنوش موسوی

Mehr_musavi@yahoo.de
Tel: 00491706739503

مسئول روابط بین الملل

ناهید ریاضی

nahid@mail.dansbbs.dk
Tel: 004540453992

مسئول تشکیلات کل کشور

لاند داور

Ladann_d@yahoo.com
Tel: 00491782084153

مسئول امور مالی

مریم افرازیابپور

mafraziabpour@yahoo.se

مسئول تلویزیون

رهایی زن

مینو همتی

MinooHemati@yahoo.com
Tel/Fax 001(916) 3148971

صندوق پستی:

P.M
P.F: 102431
50464 Köln
Germany

از سایتها و وبلاگهاي
سازمان رهایی زن دیدن
کنید!

www.rahai-zan.com

<http://rahai-zan.persianblog.com/>

<http://rahai-zan.persianblog.com/>

<http://rahai-zan.uhrtv.com/>

علم انسانی نوین، معادلات و ممکن است سرنوشت کبری تلاش برای نجات کبرا تنها هستیم. از هر تلاشی برای این سنن کهنه و تابوهای حاکم را بر سرنوشت گریزنایی آنان دفاع از حق زندگی یک انسان کار نباید فروگذار کرد. ما همه دردمد و تحقیر شده نیست، انسانهای شریف جامعه را به کرامت وی را ارج مینهند، تا زمانیکه فقر و محرومیت در بلکه همدردی با جامعه وسیعتر عکس العمل انسانی در مقابل ضرورت بازنگری و تجدید نظر جامعه هست و تا زمانیکه زنان زنان است که از شرایط نابرابر و این مساله در دنک فرامیخوانیم. در قوانین و توجه به اصل مسلم و مخصوصا زنان خانه دار هیچ تبعیض و خشونت رنج میبرند و دیبا علیخانی دبیر جامعه حقوقی یعنی رعایت عدل و تامین اجتماعی ای ندارند هیچ قانونی مدافعان حقوق پایمال حمایت از زنان انصاف بیشتر از پیش ضروری اینگونه سرنوشتها بر زندگی آنان شده شان نیست. وقتی پای قانون ۲۲ فوریه ۸۴ شده است.

در این صورت، انتقام جویی سرنوشت زنان که اسیر انواع رنج مضاعف میشود. - دفتر ریاست جمهوری، آقای اولیای دم خانواده‌ی مقتول خشونتهای پنهان و آشکار و حکم اعدام کبرا رحمان پور باید خاتمی نیست که باید سرنوشت انسانی تبعیض و نابرابری هستند حتی لغو شود. این خواست قلبی همه - دفاتر و نهادهای دفاع از را تعیین کند.

فراتر از مساله کبرا است. کبرا زنان و مردانی است که نمیتوانند حقوق انسان کبری نه آخرین صورت مساله رحمانپور تنها یک نمونه در میان و نمیخواهند نسبت به سرنوشت مدبلاعی مناسبات نابرابر خیل عظیم انسانهایی است که کبرا و کبراهای دیگری تفاوت و اجتماعی است. هر کدام به نوعی در بی اعتمنا باشند.

هزاران انسان بی پناه دیگر چنگال خشونتها، بی حرمتیها ما همصدما با همه مردم زنان برگرفته از سایت جامعه حمایت از هستند که با پایینترین معیار و نابرابریها جامعه مردسالار انساندوست جهان خواهان لغو استاندارد یک زندگی متعارف

میخواهیم که علیه این کمپین شما میخواهیم همانند جوانان کنند. اعتصابات و تحصن را با نمایش بی حقوقی مردم به میدان مبارز خراسان و دانشجویان ما همه زنان و مردان آزادخواه سرکوب و چوبه دار پاسخ بیایید. ما از شما میخواهیم که تهران صدایتان را رو در روی آنها را به یک مبارزه فعال سیاسی میگویند، خبری از حق رای و نگذارید مجالس مسخره بلند کنید! ما میگوییم تحریم علیه انتخابات دعوت میکنیم. انتخاب نیست! اینها خود مظہر تبلیغات انتخاباتیشان را بپا انتخابات کافی نیست! ما به مبارزه ما و خیل وسیع بی حقوقی و سلب حق رای و کنند، ما از شما میخواهیم که خواهان مبارزه فعال مردم علیه آزادخواهان علیه انتخابات انتخاب مردمند! مردم ایران با گرد همایی اینها را برای گدایی مضمونه انتخابات هستیم. بپیوندید!

اعتراض و مبارزه خود رای به کردن رای از مردم به نمایش نباید گذاشت که صندوقهای رفتن اینها داده اند! ما از شما محکمه آنها بدل کنید! ما از رایشان را به اسم مردم ایران پر

تنها ضمانت ممکن کردن و فاشیستی، قومی هدف است. طریق حفقار و استثمار مردم بر عکس تصویر تو، من نسل عملی کردن پیروزی مردم در این ما خاک را فدای انسان میکنیم بصورت طفلی با اتکاء به خدا جوان جامعه ایران را ماتریال پله اول است. این بزرگترین و نه بر عکس! سرود ای ایران و و ارتش حکومت میکند! همین انسانی تحقق یک نظام بهتر، یک مشکل پیش روی جنبشی است که از نسل مورد اشاره من، اجازه آینده بهتر میدانم. من تلاش است. سرآخربد نیست نظر مرا قضایا پیروزی اش در گرو شکست تغواهند داد که ایران به عقب خودم، تو و این نسل را خود جزو در باره سرود ای ایران هم مردم است. اینها نمیخواهند برگردانده شود. من خوش بینم. ارکان مهم این سیاست ممکن بشنوی، چرا که در تصویر تغییر بوجود آورند، اینها تمام افتخار این جنبش برقراری آزادی و عملی میدانم. به نظر من قبل خودت از آن به عنوان پیروزی و تلاششان این است که اوضاع و برابری، عدالت اجتماعی، رفاه از هر چیز مردم ایران برای افتخار یاد کرده ای. سرود ای سابق را اعاده کنند. کل سیستم و خوشبختی مردم است. این ممکن کردن این تصویری که من ایران سرود جنبشی است که در سیاسی و نظام مورد علاقه شان است آن هدفی که ما جملگی آن را بینجا بیان کردم احتیاج به آن به جای انسان و انسانیت، ضد زن است. سیستمی که فرزند برای تحقیق میکوشیم. رهبر و ستاد رهبری دارند. این ناسیونالیسم، آریایی گری ذکور خانواده ای مادران العمر از